

شعر کهن، آشنایی که با کودکان و نوجوانان ما غریبه است

نیرا سادات هاشمی

مراجعه به شعر کهن فارسی یکی از بهترین راه‌های ارزیابی سطح دانش ایرانیان است. در هر حال ما ایرانیان با وجود برخورداری از این هزاره‌ی ادبی موفق، می‌توانیم با پرداختن هر چه دقیق‌تر و تأمل هر چه عمیق‌تر در آن از غارت روزگاران مصونش داریم. انتقال درست و بی‌کم و کاست آن به نسل آینده یکی از بهترین راه‌های حفظ این میراث است.

بیش‌تر کودکان و نوجوانان امروز درک روشنی از شعر کهن ندارند. آن‌ها شاعران بزرگ ایرانی را فقط در سطح تعریف متون و کتاب‌های درسی‌شان می‌شناسند. این در حالی است که مطالعه و به خاطر سپردن شعر یکی از علاقه‌مندی‌های جدی آن‌ها به‌شمار می‌رود. آنان نمی‌دانند آن‌چه می‌خوانند و از آن لذت می‌برند، از تجربه‌های دیرسال شعر فارسی حاصل شده است. مثل گردشگرانی که برای رسیدن یک قلّه زیبا سوار بر تله‌کابین از ایستگاه‌های مختلف می‌گذرند و هرگز مسیرهای پُرپیچ و خم کوهستانی را درک نمی‌کنند. ضرورت آشنایی این نسل با گذشته شعر ایران تنها در حفظ تاریخ ادبیات فارسی خلاصه نمی‌شود. این روش تنها راه انتقال اطلاعات تاریخی به مخاطب است و

ادبیات هر ملتی زیرساخت ماندگاری آن مردم است، خصوصاً در زمانی که سخن از به وجود آمدن جهانی یکپارچه است. در این روند تمام ملت‌ها سعی دارند به گونه‌ای خود را به ثبت برسانند تا عضوی شناخته شده و صاحب نام در این پیکره‌ی بزرگ باشند. ادبیات زبان ملت‌هاست. زبانی که گویای سطح دانش و عمق غنای فرهنگی مردم آن کشور است. در این میان شعر به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های ادبیات، زبان فرد است و سطح دریافت و جهان‌بینی هر ملتی را بیان می‌کند.

در ایران شعر با قدمتی هزارساله، زبان گویای فرد ایرانی است. چون از ویژگی‌های شاعران قدیم ایرانی، اشراف به تمام علوم زمان بوده است. چنان‌که نظامی عروضی سمرقندی خصوصیات شاعر و شعر او را چنین ذکر می‌کند:

«شاعر باید که سلیم‌الفطره، عظیم‌الفکره، صحیح‌الطبع، جید‌الرویه، دقیق‌النظر باشد، در انواع علوم متنوع (متنبع) باشد و در اطراف رسوم مستطرف، زیرا چنان‌که شعر در هر علمی به کار همی شود هر علمی در شعر به کار همی شود.»^۱

هرگز از این طریق نمی‌توان او را با تجربه‌های زبانی و ادبی آشنا کرد. چون شعر قبل از آن که در جهان تخیل و موسیقی و احساسات شکل بگیرد از کنار هم نشستن یا جابه‌جایی واژه‌ها حاصل می‌شود چنان که «رالف والد امرسون» می‌گوید: «شعر توانایی کلمات را به ما می‌آموزد.»^۲ کودکان و نوجوانان ما با مرور شعر کهن درمی‌یابند واژه‌های رایج در ادبیات امروز - حتی زبان رایج - از کجا آمده‌اند، چه تغییر و تبدیل‌هایی را پذیرفته‌اند، چه کسانی آن‌ها را ساخته و پرداخته‌اند. آن وقت است که این بیت از فردوسی را با تمام وجود در خواهند یافت:

«نمیرم از آن پس که من زنده‌ام

که تخم سخن را پراکنده‌ام»
در این مجال به برخی از دلایل دور ماندن این گروه سنی از این حوزه‌ی ادبی اشاره می‌شود:

▪ یکی از جدی‌ترین دلایل بیگانگی نسل امروز با ادبیات کهن - خصوصاً شعر - غرابت و کهنگی زبان این آثار است. وقتی با اهتمام بازپردازان، گروه‌های لفظی و معنوی آن‌ها برطرف می‌شوند، آن‌گاه است که مخاطب به آسانی با این آثار ارتباط برقرار می‌کند و می‌تواند از انتخاب کلمات و چینش آن‌ها لذت ببرد. همچنین به نکته‌های ظریفی که در پس مضامین شعرها است، بیندیشد.

▪ یکی دیگر از دلایل عدم رغبت و رجوع مخاطبان این نسل به شعر کهن، عدم توجه مستقیم به کودکان در آن دوره، و حضور کم‌رنگ آن‌ها در گذشته‌ی ادبی ایران است.

«سیمای کودکان در ادب رسمی ایران، یعنی آن‌چه در دیوان‌ها و تذکره‌ها و تواریخ مسطور نیست، مثل زندگی و شرح احوال بسیاری از آنان، سیمای محو ناپیداست. کودکان هم‌چون پدران و مادران در آثار فراوان و گونه‌گون شاعران ما حضوری غیرمستقیم دارند. گویی سخن گفتن از آنان دون شاعری است. سخن از کودکان هست اما نه آشکار و روشن، بلکه در جمله‌های کوتاه و بلند و همواره بی‌خریدار پندها و اندرزاها، این‌که به این مباحث و آن باش. یا در بانگ بریده در گلوی زاری‌ها و سوگنامه‌ها و مرثیه‌ها یعنی به یاد فرزند بودن، آن دم که نیست.»^۳

کودک و نوجوان امروزی که کاملاً حضورش در ادبیات به رسمیت شناخته شده است، نمی‌تواند چنین فضایی را جذب کند. در همان مراجعه نخست دچار این حس می‌شود که: «من مخاطب این شعرها

نیستیم!»

پس تنها زبان نیست که عامل قطع ارتباط نسل امروز با گذشته‌ی ادبی ایران بوده است، دلایلی از این دست نیز، با توجه به تفاوت‌های جامعه‌ی امروز، همواره باعث دفع این گروه سنی بوده‌اند. البته شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان، علاوه بر تشریح این آثار به زبان امروز، باید به سطح دریافت و گروه سنی مخاطب نیز توجه کنند. به‌طور مثال نمی‌توان تمام قسمت‌های شاهنامه را برای تمام گروه‌های سنی مطرح کرد. یکی از بهترین راه‌های تشخیص این سطح، توجه ملاک‌های مشخص شده در علوم تربیتی براساس مراحل رشد است. توجه به باید و نبایدهای کارشناسان^۴ براساس نظریه الگوی رشد، بسیار به تقسیم‌بندی مناسب این آثار کمک می‌کند.

کودکان می‌خواهند علت هر چیزی را بدانند و بزرگسالان با پرسش و چراهای آنان روبه‌رو هستند. غالباً در این مرحله کودکان فکر می‌کنند که همه چیز توسط بشر ساخته شده است (مصنوع‌گرایی^۵): کوه‌ها را درست کرده‌اند. دریاچه‌ها را کنده‌اند و تویش آب ریخته‌اند. در ضمن همه چیز را زنده می‌پندارند (جان‌گرایی^۶): «ماه دنبال من می‌آید.» این طرز فکر گاهی منجر به گرایش‌های جادویی می‌شود.^۷

به همین دلیل گروه‌های سنی ۱/۵ تا ۳/۵ ساله تنها می‌توانند مخاطب لالایی‌ها و مثل‌ها قصه‌های ساده‌ی منظوم قدیمی باشند. ولی مخاطبان ۳/۵ تا ۷ ساله، علاوه بر موارد قبلی از چیستان‌های ساده، ضرب‌المثل‌ها نیز لذت می‌برند، همین‌طور «قصه‌هایی که قطعات تکراری دارند بی‌اندازه توجه (آن‌ها) را جلب می‌کنند.»^۸ بحر طویل از جمله قالب‌هایی است که در دوره کم‌تر یا تقریباً به ندرت از آن استفاده می‌شود. این قالب به دلیل سادگی و قابلیت تکراری که در آن هست می‌تواند ظرف مناسبی برای بازآفرینی برخی داستان‌های کهن ساده برای این گروه سنی باشد. این گروه سنی «سخن گفتن حیوانات و اشیاء را می‌پذیرد و از عوامل تخیلی دل‌نشین لذت می‌برد.»^۹ برخی حکایت‌ها و داستان‌های کهن که از زبان حیوانات نقل شده‌اند، با توجه به حذف و تعدیل‌هایی که شاعر متناسب با دریافت گروه سنی مخاطبش بر آن‌ها انجام می‌دهد، می‌توانند به صورت قصه‌های کوتاه منظوم برای این گروه سنی بازآفرینی شوند. همان‌طور که گفته شد در این مرحله، «کودک

خیلی شدید کنجکاو است و برای شناخت محیط پیرامون خود به شدت کوشاست. از این کنجکاوی می‌توان برای مشتاق کردن او به کتاب‌های تصویری به خوبی استفاده کرد.^{۱۰} حضور کم‌رنگ کمیک استریپ‌ها در معرفی و طرح ادبیات کهن به همراه سطرهای موزون و ریتمیک، از جمله مواردی هستند که در بازآفرینی متون کهن برای این گروه سنی حس می‌شوند.

«کودکان در این سن ذهن تحلیلی ندارند، مسائل انتزاعی را درک نمی‌کنند و داوری آن‌ها دوباره خوب و بد متکی به تشویق‌ها و تبه‌های والدین و اطرافیان است. به این ترتیب کتاب‌هایی که به آموزش مطالب فلسفی می‌پردازند برای این گروه سنی مناسب نیست.»^{۱۱}

پس نمی‌توان برای این گروه سنی به سراغ طرح آثاری که زمینه‌ی عرفانی و فلسفی دارند، مثل آثار مولانا و سعدی... رفت. شاهنامه فردوسی در میان متون شعر-البته در سطح بسیار محدود و با توجه به باید و نیاید‌های گفته شده درباره‌ی درک و دریافت این گروه سنی- یکی از بهترین متونی است که می‌توان بدان پرداخت. چون بسیاری از جاذبه‌های خاص این گروه سنی مثل دنیای فانتزی و جادویی (خصوصاً در بخش اساطیری) را داراست. کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه هم اگرچه منثور هستند؛ اما می‌توان حکایت‌های ساده و کوتاه و عبرت‌آمیزی از آن‌ها برای این گروه سنی استخراج کرده و به صورت ترانه با نظم‌های کوتاه بازآفرینی کرد. فراموش نکنیم که بسیاری از شاهکارهای کهن ایرانی هم براساس متون منثور سروده شده‌اند و مطابق هدف و منظور سراینده، داستان‌های اصلی مورد حذف و تغییر و تعدیل قرار گرفته‌اند. (متونی چون شاهنامه- مثنوی- منطق‌الطیر عطار و...)

البته در تمام این موارد رعایت ایجاز از شروط اصلی موفقیت در بازنویسی یا بازآفرینی اثر است، چون «مدتی که کودک در این سن می‌تواند توجه‌اش را روی یک موضوع متمرکز کند کم است.»^{۱۲}

در داستان هم طولانی شدن روایت موجب کسالت و فراموشی رخدادها برای مخاطب این گروه سنی خواهد شد، چه رسد به شعر که به دلیل داشتن ریتم و آهنگ، نفس مخاطب را بند می‌آورد.

«کودکانی که در سال‌های نخستین دبستان (۷ تا ۹ سال) قرار دارند، مخاطبین جدی‌تری برای آشنایی با متون کهن به‌شمار می‌آیند. کارشناسان این دوره را

مرحله‌ی عملکرد عینی (ملموس)^{۱۳} می‌نامند. در این مرحله کودک توانایی آن را می‌یابد که در ذهنش الگو یا مفهومی را حفظ و نگهداری کند، مشخصه‌ی اولیه‌ی تفکر عملکردی «برگشت‌پذیری»^{۱۴} آن است. کودک می‌تواند به‌طور ذهنی تفکرش را معکوس کند. می‌تواند اشیاء را بر حسب صفات آن‌ها مانند رنگ و شکل یا اندازه، طبقه‌بندی کند.^{۱۵}

در این دوره کودک بسیار آموزش‌پذیر است. از اولیاء و مربیان حرف‌شنوی دارد. به همین دلیل این دوره یکی از بهترین دوره‌ها برای تربیت اخلاق و فرهنگ و اجتماعی شدن اوست. «انگیزه خوب یادگیری و الگوپذیری محرک‌هایی هستند که کودک را برای یادگیری آداب، رسوم و سنن و فرهنگی ملی و قومی ترغیب می‌کنند.»^{۱۶} شعر به عنوان یکی از بهترین زمینه‌های انتقال فرهنگ و آداب و رسوم در ادبیات مناسب‌ترین گزینه برای این هدف است. چون علاوه بر طرح این مقوله، به دلیل داشتن موسیقی و ایجاز به خوبی در حافظه‌ی مخاطب باقی می‌ماند.

«علی‌اکبر شعاری‌نژاد»^{۱۷}، نیز مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به شاهکارها و شعر را در ردیف کتاب‌هایی قرار می‌دهد که برای ارضای نیاز عاطفه و زیبایی دوستی کودک لازم است.

اما نکته‌ی بسیار مهم را که در بازپرداخت و ارائه و چگونگی عرضه این شاهکارها برای این گروه سنی نباید فراموش کرد، زبان و محتوای مناسب اثر است. چون کودکان این گروه سنی در آغاز سن آموزش هستند، آموزه‌های نادرست زبانی و محتوایی می‌توانند تأثیرات نامطلوبی در آینده یادگیری مخاطب باقی بگذارد. «ن. ک. کروپسکا یا می‌گوید: کتابی که در دوران کودکی خوانده می‌شود ممکن است چنان بر آدمی اثر بگذارد که تأثیر عمیق و خاص آن، در تمام دوران زندگی بر جای بماند.»^{۱۸} به‌طور مثال کاربردهای غلط زبان اعم از ترکیب‌سازی‌ها و جمله‌های غلط و کاربرد نامناسب واژه‌ها در محل نامناسب، ضمن این‌که مخاطب را از دریافت منظور نویسنده باز می‌دارد، گاه ممکن است برای همیشه در یادگیری زبان او را با مشکلات جدی روبه‌رو کند.

عکس این مورد هم صادق است. یعنی استفاده درست بازنویس (یا بازآفرین) و توجه آن‌ها به معیارهای درست زبانی، ضمن حفظ متن یا شعر کهن و انتقال درست آن به مخاطب، تأثیرات مثبتی در روند یادگیری او خواهد گذاشت.

به عنوان یکی از نمونه‌های خوب می‌توان از بازنویسی «مصطفی رحماندوست» از «موش و گربه شیخ بهایی» یاد کرد. این اثر تحت عنوان «قصه‌های شیرین موش و گربه به روایت مصطفی رحماندوست توسط انتشارات پیدایش در سال ۱۳۷۶» به چاپ رسیده است.

کتاب، «بازنویسی خلاق»^{۲۰} از موش و گربه شیخ بهایی است. بازنویس در این اثر ضمن توجه به ساده‌نویسی، نمی‌گذارد مخاطبش تفاوت آن‌چنانی بین جملات او و اصطلاحات برگرفته‌اش از متن اصلی احساس کند. او در این اثر پلی ناملموس بین نظم اصلی و روایت خود می‌زند، و به گونه‌ای غیرمستقیم بسیاری از اصطلاحات کنایات و مثل‌های متن را برای آشنایی و یادگیری مخاطبانش می‌آورد. مواردی مثل: «پیوند یاری ما هرگز گسستی نیست

ما بسته تو هستیم حاجت به بستنی نیست» (ص ۲۶).

یا: «شب دراز است و قلندر بیدار»

یا: «تیغ علی را از پای ولی (در آوردن) - ص ۲۶»

«جعفر پایور» در مقایسه‌ی این بازنویسی با بازنویسی دیگری از موش و گربه عبید زاکانی، آورده است:

«از آن‌جا که مصطفی رحماندوست خود شاعر است، توانایی‌های زبانی را می‌داند و مفاهیم اشارات و کنایات و اصطلاحات را می‌شناسد. همچنین او به نقش زبان در ساحت بازنویسی واقف است و زبان را در بازنویسی خود در درجه‌ی اهمیتی والا داده است. رحماندوست با کاردانی و مهارت و آمیختن دو روش خلاصه و بازنویسی، اثر خود را ارائه داده و موفق شده است که کلام کنایی و نیش‌دار زبان شیخ را حفظ کند. به تغییر لفظها و به‌کارگیری زبان کنایه برای ضایع کردن حریف توجه دارد: جناب گربه هر کس قدرتی دارد. به مورچه که نمی‌شود گفت پرواز کن. به لال که نمی‌شود گفت آواز بخوان. اگر کسی قدرت انجام کاری را نداشته باشد، خدا هم او را می‌بخشد، چه رسد به شما که اگر چه سرور مایی، ولی بنده خدایی.»^{۲۱}

■ دقت در انتخاب محتوای مناسب، یکی دیگر از نکات مهم برگزیدن متن برای این گروه سنی است. کودکان در این سن خود قادر به خواندن هستند لذا در بسیاری از موارد بدون دخالت والدین و مربیان می‌توانند خواندنی‌های جذاب خود را انتخاب کرده و بخوانند. این وظیفه شاعر یا گردآورنده است که با در نظر داشتن این احتمال، با وجود تنوع مضامین در شعر کهن فارسی، ضمن انتخاب قسمت‌های

مناسب از آوردن بخش‌های حساسیت‌برانگیز پرهیز کنند. به‌طور مثال باید از آوردن آن قسمت از شعرها و حکایت‌هایی که حس کنجکاوی جنسی مخاطب را تحریک می‌کنند، خودداری کرد. همین‌طور باید به ظرفیت دو پهلوی زبان فارسی - خصوصاً در شعر - توجه شده از آوردن آثاری که اشارات و کنایات سؤال‌برانگیزی در تمام زمینه‌های منفی دارند پرهیز شود. این زمینه‌ها تنها شامل هزلیات، هجوایات نمی‌شود، بلکه افکار و عقاید موهوم و خشونت‌زا و اغراق‌های نادرست را نیز دربرمی‌گیرد.

«کودکان ۷ تا ۹ سال هم‌چنین برخلاف گروه سنی پیشین می‌توانند شوخی‌های کلامی جناس‌های لفظی را نیز درک کنند این بچه‌ها از بدبازی‌های دیگران لذت می‌برند و در شکستن هنجارهای پذیرفته شده چیزی خنده‌دار می‌بینند.»^{۲۲}

به جز مواردی چون «موش گربه» (شیخ بهایی و عبید زاکانی) که ذکر شد، در شعر کهن فراوان از این دست آثار طنزآمیز یافت می‌شود. این گروه سنی - خصوصاً نسل امروز - به شدت به طنز نیاز دارند، و کمبود طنزهای حکمت‌آمیز درجه‌ی آثار طنز را تا سطح آثار عامیانه پایین آورده است. شاید به واسطه‌ی همین کمبود و عطش است که کودکان هر شعر کوچکی و بازاری را به سرعت به خاطر می‌سپارند و تا سال‌ها با این مضامین سطحی و صرفاً خنده‌دار تفریح می‌کنند.

در سال‌های آخر دبستان (۱۰ تا ۱۲ سال) بچه‌ها به شنیدن ماجراهای حماسی و تاریخی رغبت فراوان دارند. «اصطلاحات ساده، ضرب‌المثل‌ها و استعارات و تشبیهات ادبی اولیه را درمی‌یابند؛ ولی بسیاری از اشعار بزرگان را هنوز باید برایش معنی کرد. مگر آن که شعر ساده و در محدوده‌ی زندگی و تجربه او باشد.»^{۲۳}

شاید این دوره یکی از بهترین دوره‌ها برای طرح شعرهایی باشد که در آن‌ها به پند و اندرزهای توأم با حکمت و اخلاق اشاره شده است. چون «در این سن عناصر تعقل و شناخت منطقی پیدا می‌شود و رشد می‌کند، اکنون کودک قادر است به تفکر انتزاعی بپردازد و مفاهیم مجرد را کم‌کم درک کند.»^{۲۴}

این دوره می‌تواند فرصت مناسبی برای طرح آثاری هم‌چون گلستان و بوستان باشد. چنان‌که نمونه‌های خوبی از این دست بازنویسی‌ها و گزیده‌نویسی‌ها به قلم شاعران کودک و نوجوان منتشر شده است. که می‌توان از نمونه‌های آن به: «قصه‌های شیرین و گلستان»، بازنویس جعفر

ابراهیمی، پیدایش، پاییز ۷۶- «حکایت‌های شیرین لیلی و مجنون»، محمدکاظم مزینانی، پیدایش، تابستان ۷۷- «قصه‌های شیرین شاهنامه فردوسی»، اسدالله شعبانی- پیدایش- بهار ۷۶ و... اشاره کرد. البته هم‌چنان جای خالی بازآفرینی این متون به شعر، برای این گروه سنی دیده می‌شود.

گروه سنی نوجوان (۱۳ تا ۱۶ سال) به درجه‌ای از درک و دریافت رسیده‌اند که بتوانند مفاهیم انتزاعی را به خوبی درک کنند. «نوجوان مایل است درباره هر موضوعی خودش مستقل فکر کند و هیچ چیز را بدون دلیل قبول نکند، نسبت به دنیای بزرگ‌ترها دیدی انتقادی دارد و در جست‌وجوی فلسفه‌ای برای زندگی خود است.»^{۲۵} نوجوان در این سن به حدی از تمیز رسیده است تا خود به دنبال انتخاب کتاب مورد علاقه‌اش باشد. البته توجه به برخی سلیقه‌های مشترک در میان این گروه سنی به پدیدآوردندگان کمک می‌کند. تا آثار خود را بهتر عرضه کنند. علاقه مشترک اکثر دختران به موضوع‌های رمانتیک و پسرها به موضوع‌های پُر از هیجان و حادثه و درگیری می‌تواند کمکی باشد برای انتخاب موضوع و مضمون آثاری که برای این گروه سنی از متون کهن انتخاب می‌کنند. در شعر کهن فارسی با توجه به همین دو گرایش، آثار فراوانی هست که می‌توان آن‌ها را بازنویسی یا بازآفرینی کرد. از نمونه‌های نسبتاً خوب بازنویسی‌های عاشقانه برای این گروه سنی می‌توان به «حکایت عاشقانه لیلی و مجنون بازنوشته‌ی مهناز سیدجواد جواهری» اشاره کرد. این اثر به نثر است و توسط نشر طاهر در (بهار ۸۵) به چاپ رسیده است، و در مقابل از نمونه‌های بسیار ضعیف با چنین مضمونی می‌توان به خسرو و شیرین و داستان‌های روح‌انگیز دیگر از «سعید قانع» اشاره کرد. این اثر توسط نشر پل در سال ۸۸ به چاپ رسیده است و می‌توان گفت یک مولتی عاشقانه کاملاً بازاری است. به جز «حکایت خسرو و شیرین»، حکایت‌های «یوسف و زلیخا، نل و دمن، اسکندر و کید هندی و جشن نوروز» نیز با تخیلی نامناسب و نثری سنگین و ضعیف در این کتاب آورده شده است.

از دیگر ویژگی‌های این گروه سنی کم حوصله‌گی و رغبت به خواندن کتاب‌های کم حجم و نداشتن رغبت به آثار طولانی است. آن‌ها تحمل توصیف‌های پیوسته را ندارند. شاید همین ویژگی است که بسیاری از ناشران و پدیدآوردگان را تشویق به عرضه و چاپ حجم انبوه گزیده‌های

رنگارنگ از دیوان‌های شاعران نامدار ایرانی کرده است. گزیده‌هایی که گاه تا سال‌های تحصیلات دانشگاهی با مخاطب باقی می‌ماند و گاه جای رجوع و مطالعه مخاطب را حتی در زمان تحصیل- به متون اصلی می‌گیرند. در واقع یکی از ضررهای این گونه گزیده‌ها- که تنها به گزینش شعر و توضیح لغات دشوار آن بسنده می‌کنند- تربیت شخصیت‌هایی سهل‌گیر، ناتوان در مطالعه و تحقیق، کپی‌کار و در مجموع بی‌سواد است.

اما در این میان هستند نمونه‌های خوبی که با هدف همان گزیده‌سازی‌ها طراحی و ارائه شده‌اند؛ اما روشی متفاوت را در ارائه اثر خود برگزیده‌اند.

«سفری با گردباد» نگاهی به زندگی و آثار صائب تبریزی است. این کتاب به کوشش علی‌رضا محمودی (ایرانمهر) توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است. در سرآغاز کتاب، مخاطب گروه سنی «و» (مخاطبان عمومی) درج شده است؛ ولی زبان ساده و توضیحات کاربردی کتاب، به علاوه توضیحات پشت جلد کتاب، بیانگر قابلیت طرح این اثر برای مخاطبان نوجوان است. در بخش اول کتاب، نویسنده نگاهی گذرا، همراه با شاهد مثال‌هایی از شعر صائب، بر زندگی این شاعر دارد. در بخش دوم، تحت عنوان «تحلیلی بر شعر صائب» به زبانی ساده و کاربردی، سبک هندی و ویژگی‌های آن را به مخاطب معرفی می‌کند. این معرفی تنها یک سری توضیحات خشک و گذرا نیست. نویسنده با طرح نظریات امروزی- راجع به سبک هندی- و مثل‌هایی که آن‌ها را برای مخاطب نوجوان قابل فهم می‌کند، ویژگی‌های خاص سبک هندی را به مخاطب می‌آموزد. به‌طور مثال با آوردن مثل «چکش شکسته» (چکشی که تا قبل از شکسته شدن هرگز صاحب آن متوجه نقش و نگارهای منقوش شده روی آن نشده است...)، روشی ساده قابل فهم برای آموزش «آشنایی‌زدایی» در ادبیات و شعر برمی‌گزیند، و به بسامد بالای آن در سبک هندی اشاره می‌کند. بخش سوم این گزیده اختصاص به برخی غزل‌های صائب دارد که گردآورنده با توجه به سطح دریافت مخاطب و بار آموزشی آن گزینش کرده است. او ضمن اشاره کامل به نکات ضروری (مثل واژه‌های ثقیل، اصطلاحات پیچیده)، شیوه‌ای متفاوت، آموزنده و کاربردی برای شرح و تفسیر ابیات برگزیده است. در این گزیده نویسنده با انتخاب چند بیت که منظور اصلی شاعر در آن نهفته است به نکات کلیدی در آن

اشاره کرده، و سپس از مخاطب می‌خواهد خود به تأویل و تفسیر باقی ابیات بپردازد. شیوه‌ای کارگاهی که ضمن آشنا کردن مخاطب با شعر صائب، لذت اندیشیدن و قدرت درک و تأمل شعر را هم به مخاطب می‌بخشد. شیوه‌ای که به مخاطب یادآوری می‌کند برگردان شعر به نثر روان روشی نامطلوب است.

اسیب‌شناسی برخی گزیده‌های شعر کهن

این گزیده‌ها تنها با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با شعر کهن منتشر شده‌اند. غالباً عاری از روش‌های نو و خلاق برای معرفی این متون هستند.

آثاری که برای گروه سنی «د و ه» منتشر شده‌اند، بسیار بیش‌تر از سایر گروه‌های سنی است. شاید این به دلیل باید و نبایدهای کم‌تری است که باید برای بازنویسی این آثار در مورد این گروه سنی رعایت شود! مخاطب کتاب را باید براساس ظاهر و نوع ارائه کتاب حدس زد. در شناسنامه یا پشت جلد بیش‌تر این کتاب‌ها هیچ اشاره‌ای به سطح مخاطب نشده است. بیش‌تر این گزیده‌ها فقط در طرح جلد، تصویرگری و صفحه‌بندی متفاوت با گزیده‌های معمولی هستند که برای بزرگسالان و مخاطبین عام تهیه و ارائه شده‌اند. در واقع نمی‌توان هیچ گزیده‌ای را تنها به دلیل داشتن شکل ارائه کودکانه به مخاطب «ج» معرفی کرد. چون ممکن است مضمون آن «د» یا «ه» باشد.

بسیاری از مطالبی که درباره شاعران در این گزیده‌ها می‌آید، کاملاً تخصصی است. مطالبی مثل: اشاره به دیدگاه‌های خاصی که درباره‌ی شعر و سبک شاعر وجود دارد، و دعوای ادبی این که پیرامون آن است.

ذکر برخی شعرهای شاعر که کاملاً به زبان محلی است و امکان دارد برای خواننده‌ی بزرگسال هم جاذبه‌ای نداشته باشد، چون چیزی از آن در نمی‌یابد. مثل:

«بوره یک دم بنالم و بسوجیم

از آن رویی که هر دو تیره زوجیم

تله بلبل، حاش لله مثل مونی

بنوجز درد و غم یک عمر زوجیم»

(ترانه‌های شیرین باباطاهر - داود لطف‌الله)

اشاره به اسلوب‌های کهن شعری مثل «ماده

تاریخ» که بدون هیچ توضیح و تشریحی می‌آید.

یا آوردن عناوین ثقیلی که فقط می‌توان مورد توجه پژوهشگران و مخاطبان خاص باشد. (مثل

نام‌گذاری آثار صائب توسط خودش: مرآت‌الجمال - واجب‌الحفظ - گزیده صائب تبریزی - حیدر کریم‌پور - تیرگان - ص ۱۴).

همین‌طور آوردن فصلی برای تأثیر قرآن و حدیث بر شعر شاعران با مثال‌های مکرر، و یا تأثیر شعر شاعران محلی بر شعر آن‌ها، یا آوردن اسامی شاعران هم‌عصر شاعر که تخلص‌شان با شاعر یکی است. (چنان‌که در گزیده‌ی صائب از حیدر کریم‌پور - ص ۱۴ و طالب آملی از علی رازقی‌شانی نشر تیرگان ص ۶۰ تا ۷۵ آمده است.) مسائلی از این دست نه تنها باعث افزایش اطلاعات مخاطب نمی‌شود، بلکه موجب دل‌زدگی او از پیگیری و مطالعه‌ی شهر کهن خواهند شد. در واقع همان دل‌زدگی و دافعه‌ای را دارند که کتاب‌ها و متون خشک و بی‌روح درسی در شناساندن شعر کهن ایرانی، برای کودکان و نوجوانان در پی داشته‌اند.

متأسفانه این زیاده‌روی‌ها تاحدی است که پدیدآورنده گروه سنی مخاطب خود را فراموش می‌کند، و وارد مسائل حاشیه‌ای و خصوصی زندگی شاعر مورد نظر می‌شود. با وجود سطح دریافت این گروه سنی بیان این قسمت از زندگی شاعران به جز پیامدهای سوء تربیتی، گاه موجب تخریب کامل شخصیت شاعر نزد مخاطب خواهد شد.

به عنوان نمونه: اشاره نویسنده به اعتیاد طالب آملی به افیون و تریاک و شعری که برای تریاک سروده است:

بی‌نشئه افیون به تنم هوشی نیست

این زهر گوارنده کم از نوشی نیست

ماشی است مرا خوراک افیون آن‌گاه

ماشی که برابر گه موشی نیست

(مشاهیر ۲۵ - طالب آملی، علی رازقی‌شانی،

تیرگان - ص ۴۹ تا ۵۱)

- در بسیاری از کتاب‌هایی که به معرفی شعر کهن عرفانی و ادبیات عارفانه می‌پردازند، بازنویسان بدون توجه به گروه سنی مخاطب، به مسائل خاص یا غریب و موهومی اشاره می‌کنند که یا غیرقابل درک است و یا به گونه‌ای ترویج افکار خرافی است.

مثل اشاره به کشف و کرامات برخی عرفا که هرگز در باور این نسل نمی‌گنجد، و اگر هم بگنجد پیامدی جز خرافه‌زدگی و نیافتن غرض اصلی آن کرامات در پی نخواهد داشت. مطالبی چون «فلان عارف بی‌سواد بود و با شکستن یخ حوض یک‌شنبه عالم و عارف شد. یا فلان شاعر با خوردن کلی کاغذ

شعرش بر زبان مردم ماندگار شد. یا عارفی آن قدر گریه کرد که اشک‌هایش از ناودان می‌چکید.»^{۲۶}

– پرداختن به شیوه‌های نو و شتاب‌زده در روایت معرفی شاعران کهن، از دیگر نقاط ضعف برخی از این گزیده‌ها است. از آن جمله است: گزیده‌ی «غزلیات شیرین صائب تبریزی به انتخاب هادی خورشاهیان و شرح و تفسیر احسان عظیمی – نشر پیدایش – پاییز ۸۷»

شیوه‌ی انتخاب و شرح و تفسیر غزل‌ها به همان شیوه‌ی متداول سایر گزیده‌هاست. اما مفسر در ابتدای کتاب در بخش معرفی شاعر، به گونه‌ای خواسته شیوه‌ی نویی را برای معرفی صائب به مخاطب نوجوان برگزیند. او با انتخاب یک شخصیت مشهور داستانی (شهرزاد هزار و یک‌شب) واسطه‌ای را برای تعریف زندگی صائب بین خود و مخاطب قرار می‌دهد. البته استفاده‌ی او از شخصیت‌های مشهور به شهرزاد خلاصه نمی‌شود چون در ادامه‌ی توضیحاتش از «ماژلان و کریستف کلمب» هم نام می‌برد (ص ۸ کتاب).

زبان اثر بسیار ضعیف و سطحی است و بین زبان رسمی و محاوره معلق است. به‌طور مثال در بیان یکی از شاخصه‌های سبک هندی می‌آورد: «شاعران در این مورد سعی می‌کنند چیزهایی را بگویند که قبلاً کسی نگفته است و گاهی چیزی می‌گویند که عقل جن هم به آن نمی‌رسد!» (ص ۱۰)

یا این مورد که: «هر شاعری بتواند مضمون عجیب و غریب‌تری بیاید و آن را به شکل قابل قبول ارائه دهد، شاعرتر است.» مفسر برای تکمیل منظور خود در معرفی دیگر شاعران سبک هندی باز هم با تکیه بر اسامی معروف ولی نامربوط، چنین ادامه می‌دهد: «اما برای شناختن سبک هندی، باید غزل‌های بی‌دل و کلیم را نیز خواند تا مجموعه سه تفنگدار کامل شود.» در هر حال معرفی‌ها و گزیده‌هایی از این دست نه تنها نمی‌تواند معرف مشاهیر شعر کهن باشد، بلکه دور شدن مخاطب از این آثار را نیز در پی دارد.

«کشف نکته‌های پنهان در اثر و برجسته کردن آن، در امروزی کردن اثر از مهارت‌های بازنویس است.»^{۲۷} اما به نظر نمی‌رسد با این رویکردی که هم‌اکنون در بازنویسی متون جریان دارد، کم‌تر کسی به این نکته‌ی مهم توجه داشته باشد. در شعر، جز عدم توجه به این نکته‌ی ارزشمند در بازنویسی، هیچ بازآفرینی‌ای از نکته‌های ارزشمندی که در شعر کهن هست، مشاهده نمی‌شود.

پی‌نوشت:

- ۱ – چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی. مقاله دوم (شعر). به اهتمام دکتر محمد معین. ص ۴۷، امیر کبیر
- ۲ – از این باغ شرقی. پروین سلاجقه. ص ۴۱، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ۳ – سیروس طاهباز. مقاله قدیم‌ترین شعر برای کودکان. به نقل از این باغ شرقی. پروین سلاجقه. ص ۳۵
- ۴ – منبع و مأخذ (ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی‌ها و جنبه‌ها. بنفشه حجاری. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، بنیادهای ادبیات کودکان، کمال پولادی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادبیات کودکان، طاهره جعفر قلیان، پیام نور)
- ۵ – Artificialism
- ۶ – Animism
- ۷ – ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی‌ها و جنبه‌ها. بنفشه حجاری. ص ۷۰
- ۸ – همان. ص ۷۵
- ۹ – همان. ص ۷۵
- ۱۰ – بنیادهای ادبیات کودکان. کمال پولادی. ص ۱۷۲، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ۱۱ – همان. ص ۱۷۲
- ۱۲ – همان. ص ۱۷۴
- ۱۳ – Concrete operations
- ۱۴ – Reversibility
- ۱۵ – Classification
- ۱۶ – ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی‌ها و جنبه‌ها. بنفشه حجاری. ص ۷۲ و ۷۳ و ۷۴
- ۱۷ – بنیادهای ادبیات کودک و نوجوان. کمال پولادی. ص ۱۷۵
- ۱۸ – علی‌اکبر شعاری‌نژاد. ادبیات کودک. طبقه‌بندی موضوعی کتاب‌های کودکان براساس نیازهای روانی گوناگون. ص ۱۵۸. اطلاعات
- ۱۹ – ۳۹ مقاله درباره ادبیات کودکان. ص ۱۵۳
- ۲۰ – جعفر پایور. گریه و موشانا. سهم ادبیات کودک و نوجوان از متون کهن. مقاله، پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۱۶
- ۲۱ – همان. ص ۹۵
- ۲۲ – بنیادهای ادبیات کودک. کمال پولادی. ص ۱۷۵
- ۲۳ – ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی‌ها و... بنفشه حجاری. ص ۸۴
- ۲۴ – بنیادهای ادبیات کودک. کمال پولادی. ص ۱۷۷
- ۲۵ – همان. ص ۱۷۸
- ۲۶ – این موارد در گزیده‌های زیر آمده است: ترانه‌های شیرین باباطاهر. داوود لطف‌الله. ص ۲۱، پیدایش. گزیده صائب. ص ۱۳ و ۱۴، نشر تیرگان. قصه‌های شربین تذکره‌الاولیاء. افشین علاء. ص ۲۳، پیدایش
- ۲۷ – فروغ‌الزمان جمالی. توضیح چند نکته در مورد بازنویسی و بازآفرینی. مجله‌ی روشنان، ص ۸۴